

Introduction and Analysis of New Found Petrography Motif of Kal-e-Sir, Sir-e-Khordoo and Mohadava (Torqabeh Shandiz -Khorasan)

Mehdi Dahmardeh Pahlavan¹
Bahareh Moghadam³
Received: 27/12/2021

Hasan Basafa²
Ali Karimikia⁴
Accepted: 2/8/2022

Abstract

In archaeology, rock art is human-made markings placed on natural surfaces, typically vertical stone surfaces. This art is found in many culturally diverse regions of the world. It has been produced in many contexts throughout human history. The oldest known rock art dates from the Upper Paleolithic period, found in Europe, Australia, Asia, and Africa. Petroglyphs or rock motifs have been one of the first human arts to express their emotions and perceptions of their surroundings. Study and analyses of these motives include the questions such as who have created these motives and in what ages? and what is the aim of drawing of this motive? In Iran, evidence of rock art can be seen in most mountainous areas where nomadic or herding life takes place. The collections of ancient lithographs of Kalsir, Sir Khordoo and Mohadava are located in the northeastern region of Iran, in the city of Torqabeh Shandiz. In this area, there are a large number of petroglyphs with various subjects, and the study of these works, considering their antiquity, can reveal the dark aspects of the life of the inhabitants of this area. In reviewing and analyzing these paintings, we are faced with questions of: What has been the living and environmental economy of this region based on the petroglyphs? How many categories can the drawings created on the rocks be classified? Since these motifs are related to livelihood, studying these motifs can reconstruct aspects of the life of the primitive inhabitants of this region. This field has a valuable rock art that has been related to each other due to the similarity of the designs. In this study, the rock motifs of "Shandiz Torqabeh Collection" have been studied to identify and address the causes and reasons for drawing rock motifs whereby content analysis and matching method have been used. The data of this research have been collected from the field survey method and library studies. The results of this study indicated that the motifs are in three groups: human, animal, and symbolic. These motifs originated from the ideas and environment in which they lived and the relatives of the creators of these motifs were nomadic pastoralists with these motifs being a reflection of their livelihood.

Keyword: Northeast of Iran, Torqabeh Shandiz, rock art, lithography, motif

1. PhD in Archeology, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Sistan and Baluchestan University. Mehdi_dahmardeh@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human Sciences, Neishabor University, Iran. hbasafa@gmail.com

3. Master of Archeology University of Sistan and Baluchistan. moghadam@ymail.com

4. PhD in Archeology of Mohaghegh Ardabili University. a.karimikiya@gmail.com

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های مجموعه باستانی کال‌سیر، سیرخرد و مهدوا؛

شهرستان طرقبه شاندیز در شمال شرق ایران

مهدی دهمرده پهلوان^۱ حسن باصفا^۲ بهاره مقدم^۳ علی کریمی کیا^۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۶، شماره ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_154340.html

چکیده

سنگ‌نگاره‌ها از نخستین هنرهای بشری برای تجلی عواطف و دیده‌های خود از محیط پیرامون بوده است. در ایران، شواهد هنر صخره‌ای را می‌توان در اغلب مناطق کوهستانی مشاهده کرد. این پژوهش به بررسی و مطالعه مجموعه سنگ‌نگاره‌های باستانی کال‌سیر، سیرخرد و مهدوا پرداخته است. این سنگ‌نگاره‌های نویافته در شهرستان طرقبه شاندیز در استان خراسان رضوی قرار دارد. در این منطقه تعداد زیادی از سنگ‌نگاره‌ها وجود دارد که بررسی این آثار با توجه به قدمتشان می‌تواند جنبه‌های تاریک زندگی ساکنان این حوزه را نمایان کند. روش بررسی سنگ‌نگاره‌ها، بررسی پیمایشی میدانی بوده است و در روش کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی نقوش با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته شده است. در این پژوهش سعی شده است به پرسش‌های پیش رو پاسخ داده شود: نقوش ایجادشده بر روی سنگ‌نگاره‌های طرقبه شاندیز با کدام سنگ‌نگاره‌های ایران قابل مقایسه است و تکنیک ساخت سنگ‌نگاره‌های طرقبه شاندیز به چه صورت بوده است؟ مطالعه "مجموعه سنگ‌نگاره‌های طرقبه شاندیز" با هدف معرفی و بررسی نقوش سنگ‌نگاره‌ها، مطابقت نقوش با شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی منطقه و بررسی تطبیقی و مشابهت نقوش با دیگر نقاط، انجام شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سنگ‌نگاره‌های این حوزه دارای نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و ابزارآلات هستند که با تکنیک و

Mehdi_dahmardeh@yahoo.com

hbasafa@gmail.com

moghadam@ymail.com

a.karimikiya@gmail.com

۱. دانش‌آموخته دکترای باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، نویسنده مسؤول

۲. دانشیار، گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴. دانش‌آموخته دکترای باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

روش کوبشی ایجاد شده‌اند و نقوش این سنگ‌نگاره‌های نویافته با سنگ‌نگاره‌های شرق ایران همچون توس، خزان، لاخ‌مزار، گوهردشت، آسو و جریت قابل بررسی و تحلیل است.

واژه‌های کلیدی: شمال شرق ایران، طرqbه شانديز، هنر صخره‌ای، سنگ‌نگاره، نقش‌مایه.

مقدمه

هنر صخره‌ای نمونه بارز یک هنر جهانی است که پیشینه آن به اعماق تاریخ بشر بازمی‌گردد. این هنر دربرگیرنده دامنه گسترده‌ای است و شامل همه نقوشی است که توسط انسان بر روی سنگ برای انتقال پیام یا بیان مفهوم ثبت شده است. در این میان، مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناختی، منجر به کشف مجموعه‌های بزرگی از هنر صخره‌ای، بویژه سنگ‌نگاره‌ها در بسیاری از نقاط جهان شده که موضوع بحث مقالات و کتاب‌های مختلف بوده است. سنگ‌نگاره، شاخه‌ای از هنر صخره‌ای است که در بسیاری از جوامع به عنوان ابزاری برای بیان افکار، باورها و ادیان به کار گرفته شده است (Gillette, et al.; 2014: 1). هنر صخره‌ای یک هنر جهانی است که نه فقط بیشترین دیرینگی را دارد؛ بلکه از مرتبه ویژه‌ای برخوردار است. این هنر توانسته است نخستین نموده‌های شناخته‌شده از حساسیت هنری و زیباشناختی نیاکان دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان با بیانی معنادار به معرض نمایش بگذارد (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۴۶) و بخش جدایی‌ناپذیری از تاریخ هنر انسان به شمار آید که نسل‌اندنسل در جوامع انسانی تداوم یافته و در روند رشد و پیشرفت فکری و هنری جوامع گوناگون انسانی تأثیر داشته است (تولستوی، ۱۳۵۶: ۵۵). امروزه نقوش صخره‌ای به دلیل برخورداربودن از قدمت دیرینه و همچنین دارابودن طیف گسترده‌ای از اطلاعات از ادوار پارینه‌سنگی تا دوره معاصر و با توجه به اهمیت، معنا و قدمت این داده‌های فرهنگی از جنبه‌های مختلف نظیر باستان‌شناختی، مردم‌شناختی، هنر و نشانه‌شناختی، مورد پژوهش قرار می‌گیرند.

سمبل‌ها در روند رشد و پیشرفت فکری و هنری جوامع گوناگون انسانی مؤثر بوده‌اند؛ چراکه فعالیت هنر بر این اساس استوار است که انسان از راه اندیشیدن یا دیدن می‌تواند احساسات و تجربیات انسان‌های دیگر را گرفته و خود نیز آن را تجربه کند. سکونت و معیشت در منطقه شمال شرق ایران، به دلیل برخورداری از وضعیت محیطی مساعد آن، از پیش از تاریخ تا عصر

حاضر تداوم داشته است و صخره‌نگاری‌های متعددی از این منطقه در خلال بررسی‌های باستان‌شناسی به دست آمده است. در این پژوهش هدف اصلی، بررسی و تحلیل نویافته‌های به دست آمده از مجموعه باستانی کال سیر، سیرخردو و مهدوا در شهرستان طرقبه شاندیز در شمال شرق ایران است.

پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش سعی شده است به پرسش‌های پیش رو پاسخ داده شود: نقوش ایجادشده بر روی سنگ‌نگاره‌های طرقبه شاندیز با کدام سنگ‌نگاره‌های ایران قابل مقایسه است؟ تکنیک ساخت سنگ‌نگاره‌های طرقبه شاندیز به چه صورت بوده است؟

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های باستان‌شناختی سال‌های اخیر در شمال شرق ایران، نقوش صخره‌ای زیادی، از جمله سنگ‌نگاره جربت در بجنورد، سنگ‌نگاره گوهردشت در گناباد، سنگ‌نگاره‌های باغ دهنه در کاشمر و سنگ‌نگاره خنجری در بردسکن شناسایی و ثبت شده است؛ در سال ۱۳۳۰، سنگ‌نگاره‌های کال جنگال توسط رضایی و کیا (۱۳۳۰: ۱۵) شناسایی و کتیبه‌های اشکانی آن قرائت شد. در بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان مشهد در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ توسط بختیاری شهری (۱۳۸۸: ۲۱) نیز برخی از نگاره‌های صخره‌ای دشت توس شناسایی و مطالعه شده است. در تابستان ۱۳۹۲، مطالعه سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی توسط قربانی (۱۳۹۲: ۵) انجام شده است. در بیرجند لباف خانیکی و بشاش در سال ۱۳۷۱ سنگ‌نگاره لاخ مزار را شناسایی کرده اند (۱۳۷۳: ۸). دشت حاصلخیز توس در میان دو رشته‌کوه هزارمسجد و بینالود واقع شده است و به دلیل برخورداری از شرایط زیست‌محیطی مساعد، در طول هزاران سال اقوام مختلف را به سوی خود جذب کرده است. این دشت از کهن‌ترین ایام، بستر مناسبی را برای زیستن و تداوم حیات انسان فراهم آورده است و نقوش صخره‌ای متعددی در آن پراکنده شده است. از منطقه تاریخی کمرمقبولا یا 'شتر سنگ' در سه کیلومتری شمال شهر طرقبه و یک کیلومتری دره داغستان واقع در شمال غرب مشهد، سنگ‌نگاره‌های باستانی متعددی شناسایی و

ثبت شده است که از منظر باستان‌شناسی بسیار ارزشمند هستند (نجفی، ۱۳۹۹: ۸۹). در روستای شلگرد در هفت کیلومتری جنوب غربی شهرستان مشهد و در محور مشهد به سمت خلیج نیز سنگ‌نگاره‌های فراوانی شناسایی شده است که دارای نقوش مختلفی هستند (مزاری مقدم و رضایی، ۱۳۹۴). در این پژوهش، سنگ‌نگاره‌های کال سیر، سیرخردو و مهدوا برای نخستین بار از این منطقه شناسایی و تحلیل شده است.

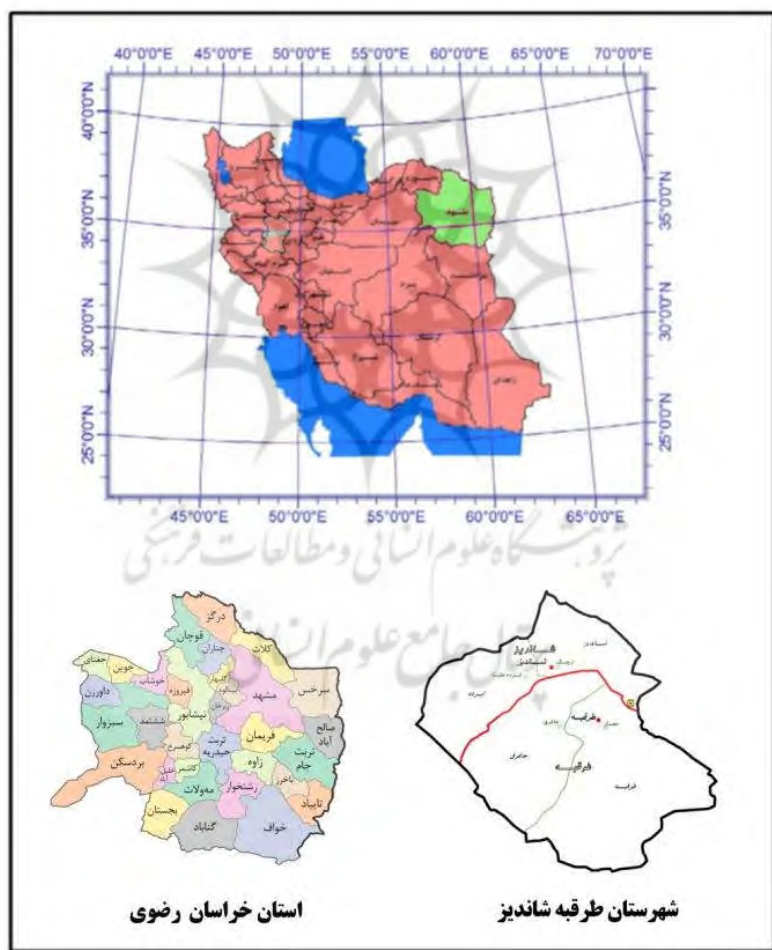
روش پژوهش

این پژوهش از دیدگاه ماهیت تحلیلی-مقایسه‌ای و از دیدگاه هدف توسعه‌ای است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه اسنادی و میدانی انجام شده است و تحلیل داده‌ها با رویکرد شمایل‌شناسی تطبیقی انجام شده است. در مرحله نخست، طی بررسی روشمند میدانی در منطقه طرقله شاندریز خراسان، سنگ‌نگاره‌های مهدوا، کال سیر و سیرخردو شناسایی شدند و در مرحله بعدی، اطلاعات موجود از قبیل موقعیت و محل قرارگیری نقوش، نوع نقش، تکنیک به‌کاررفته، ابعاد و عمق نقوش و گونه شناختی نقش‌ها در قالب فرم مخصوص تهیه و ثبت شد (شکل ۱). عکسبرداری نقوش صخره‌ای از جهات مختلف انجام و طراحی نگاره‌ها به وسیله نرم‌افزار Illustrator انجام شده است. سپس به مقایسه و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های طرقله شاندریز با نمونه سنگ‌نگاره‌های مشابه به دست آمده در شرق ایران پرداخته شده است و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نقوش، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پایان با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد و متون تاریخی و پیشینه مطالعات انجام‌شده در منطقه، گاه‌نگاری پیشنهادی برای این سنگ‌نگاره‌ها ارائه شده است.

موقعیت جغرافیایی، زیست‌محیطی و محدوده مورد پژوهش

شهرستان طرقله شاندریز در شمال شرق ایران در استان خراسان رضوی با مساحت ۱۱۸۴/۸۲ کیلومتر مربع، در طول شرقی $۱۰^{\circ} ۵۹'$ تا $۲۲^{\circ} ۵۹'$ و عرض شمالی $۳۶^{\circ} ۳۰'$ تا $۳۶^{\circ} ۳۰'$ واقع شده است (انتظاری، امیری و طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۹). این شهرستان در ۱۵ کیلومتری شمال غرب کلان‌شهر مشهد در دامنه شمالی سلسله ارتفاعات بینالود واقع شده است (شکل ۱). دارای

آب و هوایی معتدل است و از سطح دریا ۱۴۰۰ متر ارتفاع دارد. قابلیت‌های محیط طبیعی، این شهر را از یک سو به اراضی شیبدار و حاصلخیز دامنه بینالود و از سوی دیگر به دشت مشهد متصل می‌کند (مهندسین مشاور فرهاد، ۱۳۸۹: ۱۵). از جمله منابع آب سطحی این دشت می‌توان به رودخانه کشف‌رود اشاره کرد. کشف‌رود، رودخانه‌ای فصلی است که در شمال باختری مشهد رو به جنوب خاوری جریان دارد. این رود از ارتفاعات هزارمسجد و النگ اردکان و بینالود از جانب شمال غرب سرچشمه گرفته و در جهت جنوب شرقی تداوم یافته است و در نهایت در بوته‌زارهای قراقوم در ترکمنستان پایان می‌یابد. حوزه آبریز کشف‌رود دشتی را تشکیل می‌دهد که در حدود ۱۵۰ کیلومتر امتداد دارد (آریایی و تیبو، ۱۳۷۵: ۱۴).



شکل ۱) موقعیت جغرافیایی شهرستان طرقبه شاندیز (نگارندگان، ۱۴۰۰)

یافته‌های پژوهش

در بررسی پیمایشی منطقه طرقله شانديز (استان خراسان رضوی)، سه مجموعه سنگ‌نگاره در میان دره‌های شمالی- جنوبی شهرستان طرقله شانديز، در فاصله دو کیلومتری جنوب شرق روستای حصار گلستان و در یک کیلومتری شرق جاده مایان شناسایی شد که در فواصل ۵۰۰ متری تا ۱ کیلومتر از یکدیگر واقع شده‌اند (شکل ۲). این مجموعه سنگ‌نگاره‌ها با اسامی بومی که نزد مردم محلی معروف هستند، نام‌گذاری شده‌اند و نام آن‌ها برگرفته از مکان جغرافیایی‌ای است که سنگ‌نگاره‌ها در بستر آن قرار دارند. در بررسی‌های این سه مجموعه سنگ‌نگاره، به صورت تقریبی ۱۵۹ نقش مشتمل بر: نقوش انسانی، حیوانی، نمادین، ابزارآلات و نقوش نامعلوم شناسایی شده است. سنگ‌نگاره‌ها دارای تنوع بسیاری است و در حالات مختلف و به‌گونه زیبایی کوبش شده است. لازم به ذکر است که بر اثر گذشت زمان و دیرینگی این سنگ‌نگاره‌ها، تعدادی از این نقوش با فرسایش تدریجی از بین رفته و نامرئی شده‌اند.



شکل ۲) تصویر ماهواره‌ای موقعیت سنگ‌نگاره‌ها در شهرستان طرقله شانديز (Google Earth)

۱- بررسی سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شانديز

۱-۱- سنگ‌نگاره مه‌دوا

در کنار روستای حصار گلستان و جاده مایان شهرستان طرقله شانديز، منطقه‌ای وجود دارد که مردم محلی از آن به نام "مه‌دوا" یاد می‌کنند. در این منطقه بر روی ۱۲ تخته‌سنگ در محدوده‌ای که ۷۰ متر را در بر گرفته و در جهت شرقی- غربی امتداد یافته، سنگ‌نگاره‌های مه‌دوا ایجاد شده است (شکل ۳). در این سنگ‌نگاره، ۵۷ نقش به صورت سالم و قابل تشخیص به دست آمده است؛ هرچند که بخش‌هایی از این صفحات بزرگ سنگی، شکسته و برخی نقوش ناقص شده است. سنگ‌نگاره‌های مه‌دوا بر روی سنگ‌های سیلیسی ایجاد شده است و بیشتر موضوعات نقوش سالم این سنگ‌نگاره‌ها را انسان‌های پیاده و سواره شامل می‌شود. در بخش‌های شکسته‌شده، نیم‌تنه حیوانات، به‌خصوص قسمت پای آن‌ها دیده می‌شود. این سنگ‌نگاره‌ها در قسمت‌های مختلف، نقش شده‌اند و با توجه به موضوع نقوش، تفاوت رنگ و کیفیت و ابزار نقوش، احتمالاً در ادوار پیش از تاریخ ایجاد شده‌اند. ابعاد این نقوش، بسیار متفاوت است و از ۱۰ سانتی‌متر تا ۲۵ سانتی‌متر ترسیم شده‌اند. نقوش انسانی در سنگ‌نگاره مه‌دوا اغلب به صورت سواره ایجاد شده‌اند و ۵ نقش انسانی سوار بر اسب وجود دارد. در این سنگ‌نگاره، نقش انسان بسیار فعال است و در حالت‌های شکار و پیاده قابل مشاهده است. نقش انسانی با دستانی باز نیز از نقوش قابل توجه سنگ‌نگاره‌های مه‌دواست. در نقوش انسان‌های در حال شکار، اسب‌ها به صورت درشت ترسیم شده‌اند و ابزار شکار که در واقع نیزه‌ای بلند است دیده می‌شود. نقش مایه‌های حیوانی مه‌دوا بسیار متنوع است. از این سنگ‌نگاره‌ها نقش شتر، نقش مار، عقرب با دم برگشته، گربه‌سان، سگ در کنار انسان و بز قابل شناسایی است.



شکل ۳) نمایی از موقعیت سنگ‌نگاره مهدوا؛ دید از شرق (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۲-۱- سنگ‌نگاره کال سیر

در ارتفاعات پشت کانال آبی به نام سیر در حوالی روستای حصار گلستان شهرستان طرقبه شاندیز، سنگ‌نگاره کال سیر واقع شده است. سنگ‌نگاره کال سیر بر روی ۲ تخته سنگ بزرگ ایجاد شده است و دارای نقوش متعددی است (شکل ۴). در مجموع ۸۱ نقش از این مجموعه قابل شناسایی است. سنگ‌نگاره کال سیر بر روی سنگ‌هایی از جنس سیلیس ایجاد شده و از تنوع بسیاری برخوردار است. نقوش انسانی سنگ‌نگاره کال سیر به صورت سواره بر اسب ترسیم شده است و نقش انسان سواره بر روی بزی بزرگ، از نقوش شاخص این سنگ‌نگاره است. در میان نقوش کال سیر، نقوش پرندگان در حال پرواز نیز قابل شناسایی است. نقوش گربه‌سانان، مار، عقرب و سگ از دیگر نقوش حیوانی به دست آمده از سنگ‌نگاره کال سیر است.



شکل ۴) نمایی از موقعیت سنگ‌نگاره کال‌سیر؛ دید از شمال (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۱-۳- سنگ‌نگاره سیرخردو

در دو کیلومتری روستای حصار گلستان، دره‌ای به نام سیرخردو وجود دارد. در این منطقه بر روی ۷ تخته‌سنگ نسبتاً بزرگ، مجموعه‌ای از نقوش بر روی سنگ‌ها نقر شده‌اند. این نقوش که به‌سختی قابل مشاهده‌اند، در حالت‌های عمودی و افقی ایجاد شده‌اند و دارای موضوعات متفاوتی هستند (شکل ۵). در مجموع ۲۱ نقش از سنگ‌نگاره سیرخردو شناسایی شده که عمده نقوش این سنگ‌نگاره‌ها، نقوش انسانی و حیوانی است. نقش بز با شاخ‌های کشیده، گربه‌سانان و انسان سواره در حال شکار بیشترین نقوش سنگ‌نگاره‌های سیرخردو را در بر می‌گیرد.

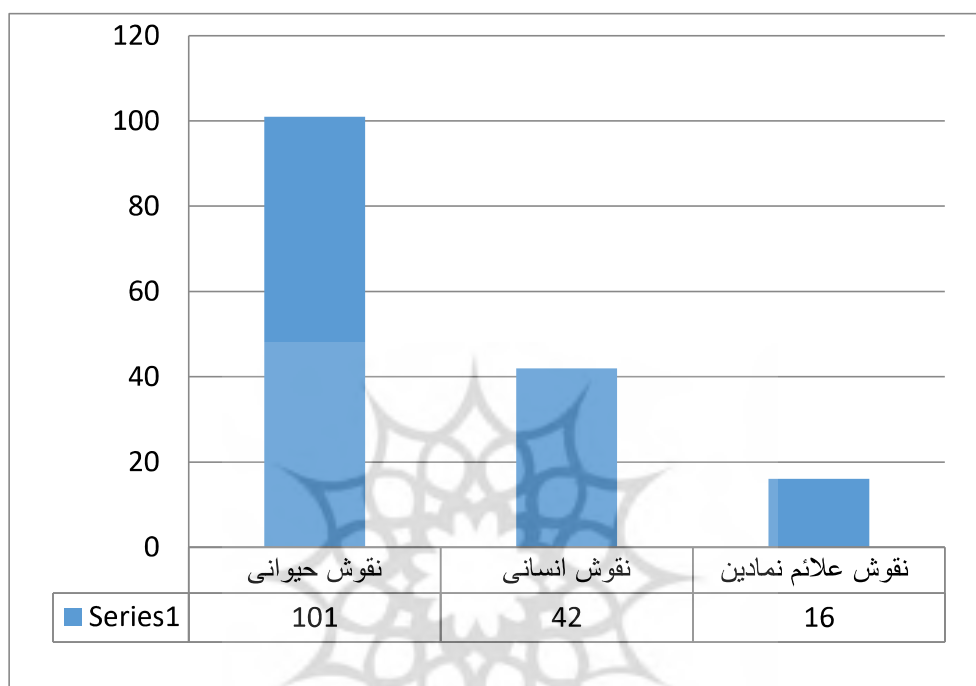


شکل ۵) سنگ‌نگاره سیرخردو؛ دید از شمال (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شانديز

نقوش صخره‌ای مجموعه طرقله شانديز به طور پراکنده بر روی تخته‌سنگ‌های سیلیسی صاف، روی دامنه کوه و دره‌های این منطقه قابل مشاهده است. به طور کلی نقش‌مایه‌ها مشتمل بر نقوش انسانی، حیوانی، علائم و نشانه‌های نمادین هستند. در مجموع، ۱۵۹ نقش در این مجموعه مورد شناسایی قرار گرفته است که به ترتیب: گروه‌های حیوانی با ۱۰۱ نقش، نقش‌مایه انسانی با ۴۲ مورد و نقوش هندسی، علائم و نشانه‌های نمادین با ۱۶ مورد، شناسایی شده است (نمودار ۱).

در مجموعه نقوش حیوانی، نقش بز کوهی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است (شکل ۶). نقش بزهای کوهی با شاخ‌های بزرگ، گربه‌سانان و پرندگان، عمده‌ترین نقش‌مایه‌ها در این مجموعه بوده است. نقش‌مایه‌های انسانی به‌دست‌آمده از مجموعه طرقله شاندریز، به صورت منفرد و گروهی و بیشتر انسان‌ها در حال انجام مراسم مذهبی و یا شکار هستند.



نمودار (۱) نمودار فراوانی نقوش سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شاندریز (نگارندگان، ۱۴۰۰)

شیوه ساخت

تمامی این نگاره‌ها به روش کنده‌کاری به سبک پتروگلیف^۱ و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی و یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه سنگ ایجاد شده‌اند. اندازه نقش‌ها متفاوت و از ۱۰ سانتی‌متر تا ۲۵ سانتی‌متر متغیر است. عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش نقش‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند در گاه‌نگاری و تقدم و تأخر ایجاد آن‌ها مورد نظر قرار گیرند. تکنیک ایجاد نقوش صخره‌ای و شمایل‌نگاری سنگ‌نگاره‌ها، مشابهت با نقش‌های پیش از تاریخ را نشان می‌دهد. در این مجموعه، عمق و رنگ برخی نقوش که در یک صحنه قرار دارند، با یکدیگر متفاوت بوده

1. Petroglyph

است. برخی از نقوش به علت گذشت زمان و تأثیر عوامل طبیعی، به قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم‌سطح شده‌اند و یا اینکه سطح برخی دیگر با زمینه صخره هم‌رنگ شده و به راحتی قابل رؤیت نیستند. با وجود این در این مجموعه اکثریت نقوش در فضای دامنه دره و پناهگاه ایجاد شده‌اند که به صورت کنده‌کاری و خراش در اندازه‌های مختلف ترسیم شده‌اند.

تحلیل پیکتوگراف^۱ نقوش حیوانی مجموعه طرقله شانديز

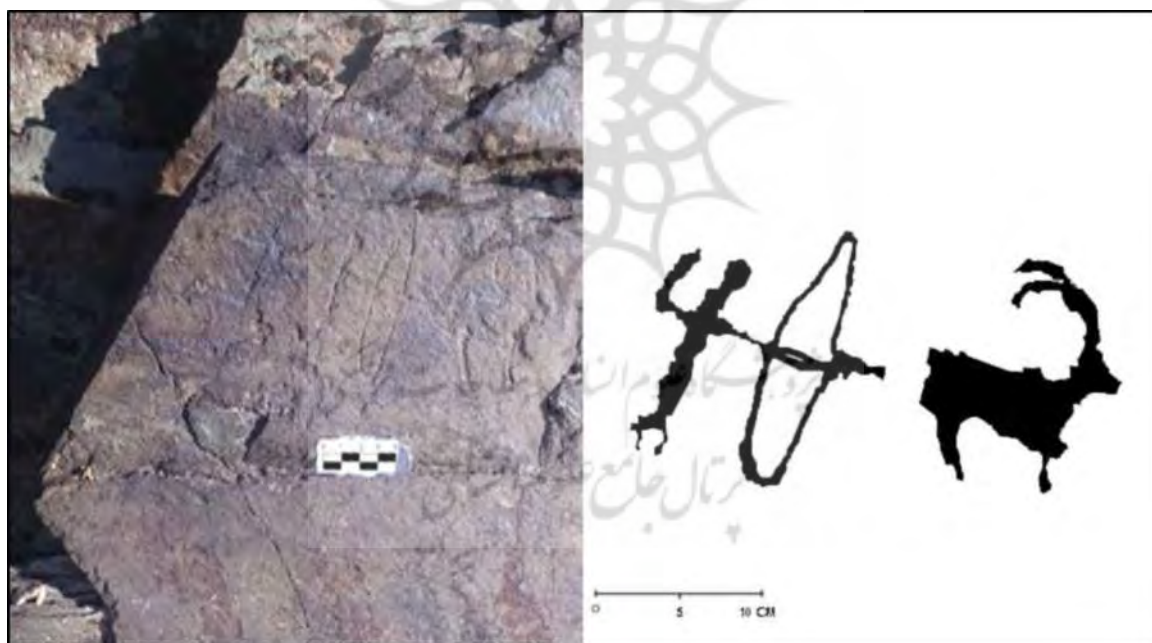
بررسی نقوش صخره‌ای طرقله شانديز نشان داد که تمامی حیوانات حکاکی شده به نحوی با موضوع معیشت، شکار و زندگی روزمره انسان در ارتباط بوده‌اند. این نقوش از نظر فراوانی و تعداد، به ترتیب ذیل قابل تفکیک است که به معرفی و تحلیل نمونه‌های شاخص آن‌ها پرداخته می‌شود: ۱. بز کوهی، ۲. سگ، ۳. حیوانات وحشی، ۴. اسب یا شتر، ۵. قوچ و ۶. مار. نقوش حیوانی در حالت‌های ساکن، در حال قدم برداشتن یا در حال سواری‌دادن قابل مشاهده هستند. در مجموعه سنگ‌نگاره‌های طرقله شانديز همانند دیگر محوطه‌های حوزه شمال شرق ایران، پرتکرارترین نقش شناسایی شده، نقش "بز کوهی" است که بیشتر به صورت استیلیزه و غیرطبیعی به نمایش درآمده‌اند.

تحلیل و مقایسه نقش مایه بز و قوچ در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شانديز با دیگر نقوش یافت شده در ایران

در سنگ‌نگاره‌های طرقله شانديز، نقش بز کوهی به صورت گله‌های حیوانی با دیگر حیوانات دیده می‌شود (شکل ۷). تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی فلات ایران نشان داده است که مایه بز، تقریباً در تمامی مراکز باستانی حضور مستمر داشته است. در واقع در دوران پیش از تاریخ، انسان‌ها بز را یکی از عوامل سودبخش طبیعت قلمداد می‌کردند (بختورتاش، ۱۳۵۶: ۹).

در بیشتر نقاط ایران هر جا که سرچشمه آب بوده است، نقش بز کوهی بر روی تخته‌سنگ‌ها دیده می‌شود. آب نماد فراوانی و زاینده‌گی است و هر جا که بز کوهی دیده می‌شود، نشان از آب و

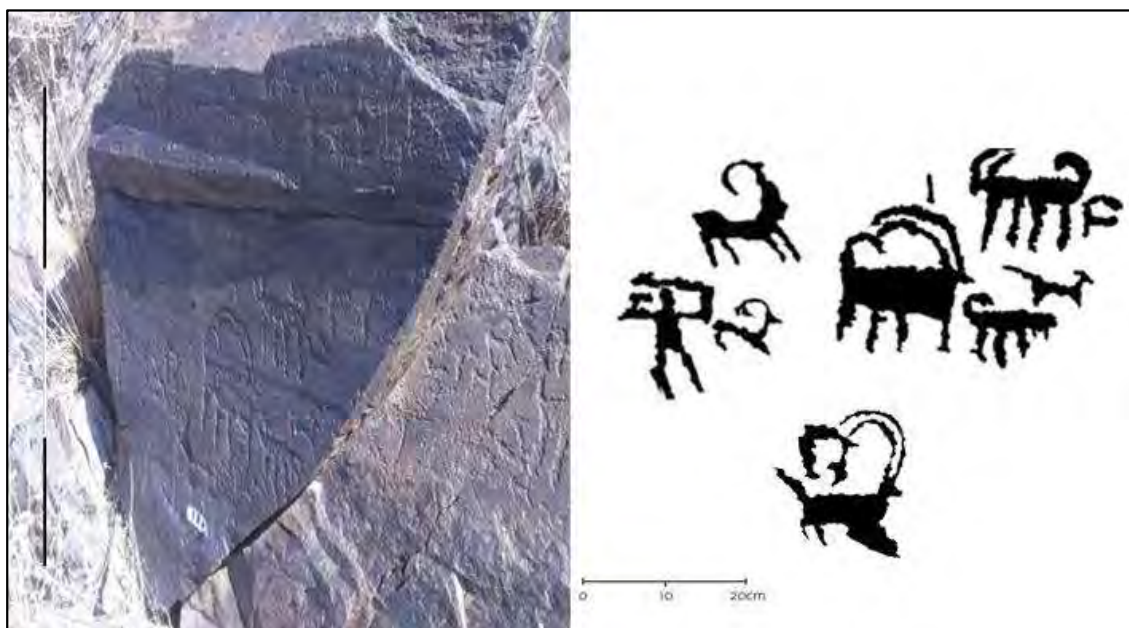
گیاه می‌دهد (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۲). نقش مایه بز در کنار درخت زندگی از رایج‌ترین نقش-مایه‌های هنر خاور باستان به شمار می‌آید. بز به عنوان حیوانی پُرزور از گذشته دور، نماد قدرت بوده است و همواره به عنوان جلودار رمه حیوانات محسوب می‌شده است. در سنگ‌نگاره‌های طرقله شاندیز، شمایل ۷۶ عدد بز به چشم می‌خورد. نقش بز بیشتر به شیوه منفرد و تنها روی سنگ‌ها و صخره‌های محوطه به روش پتروگلیف، کنده‌کاری شده است و نیم‌رخ همگی به سوی راست است (شکل ۶). نمایه بز به این روش بارها از سنگ‌نگاره‌های شرق ایران شناسایی شده است؛ از جمله می‌توان به سنگ‌نگاره جربت (رشیدی‌نژاد، دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸)، سنگ‌نگاره منطقه بیژانم بیرجند (قربانی، ۱۳۹۲)، سنگ‌نگاره کمرمقبولا در خراسان رضوی (نجفی، ۱۳۹۹: ۹۵)، سنگ‌نگاره خزان خراسان (قربانی، ۱۳۹۲) و سنگ‌نگاره‌های دشت توس در شمال شرق ایران اشاره کرد (جدول ۱).



شکل ۶) نقش بز و انسان شکارگر در سنگ‌نگاره مهدوا (نگارندگان، ۱۴۰۰)

جدول (۱) مقایسه نقش‌مایه بز در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شانديز با ديگر نقوش يافت‌شده در ايران

نماد بز				
سنگ‌نگاره منطقه خزان خراسان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)	سنگ‌نگاره منطقه کمرمقبولا خراسان رضوی (نجفی، ۱۳۹۹: ۹۵)	سنگ‌نگاره منطقه بیژانم بیرجند (قربانی، ۱۳۹۲: ۶۴)	سنگ‌نگاره جریت (رشیدی‌نژاد، دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۷۱)	سنگ‌نگاره کال - سیر طرقله شانديز
				



شکل ۷) نقش بز وحشی و انسان در حال شکار با کمان در سنگ‌نگاره کال سیر (نگارندگان، ۱۴۰۰)

در میان نگاره‌های مجموعه طرqbه شاندیز، نقش حیواناتی سم‌دار با بدنی ظریف و شاخ‌هایی کشیده وجود دارد که نقش "قوچ" است. نقش جانوران شاخ‌دار از برجسته‌ترین موضوعات هنر ایرانی بوده است و نمایش این جانوران، نماد باروری بوده است. از دوران باستان، شاخ قوچ را نماد آفرینش و شعاع نور می‌دانسته‌اند (پوپ، ۱۳۸۸: ۱۰). قوچ در گله، نماد هویت گله است؛ زیرا نقش رهبری گله را بر عهده دارد. از سوی دیگر باروری گله نیز توسط قوچ انجام می‌گیرد. در آغاز پاییز هر سال این باروری با به‌راه‌انداختن جشن و رهاساختن قوچ‌ها به درون گله همراه است. در گذشته دور برای تعیین قلمرو چرای گوسفندان، نبردهایی میان قوچ‌های گله انجام می‌گیرد و به همین جهت قوچ را نماد قدرت و فرمانروایی می‌دانسته‌اند. در فرهنگ زرتشتی، قوچ از جلوه‌های ایزد بهرام است. ورث‌رغنه یا بهرام، ایزد جنگ و جنگاوری است و همکار میترا، ایزد پیمان و خورشید و باروری است. از نظر ایرانیان بر شرارت آدمیان و دیوان غالب می‌آید و نادرستان و بدکاران را به عقوبت گرفتار می‌کند (هینلز، ۱۳۶۸: ۴۱).



شکل ۸) نقش قوچ در سنگ‌نگاره مهدوا (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تحلیل و مقایسه نقش‌مایه شتر در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شان‌دیز با دیگر نقوش یافت‌شده در ایران

یکی دیگر از نقوش حیوانی رایج به‌دست‌آمده در مجموعه طرقله شان‌دیز، نقش‌مایه " شتر " است. در مناطق شرقی ایران، از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، از شتر در کنار گاو به عنوان وسیله‌ای برای حمل و نقل استفاده می‌شده است. به تدریج شتر جایگزینی برای گاو در حمل‌ونقل و باربری شد. سرعت بیشتر شتر، طی کردن مسافت‌های طولانی و مقاومت این حیوان در برابر تشنگی، کم‌آبی و همچنین عبور از دشت‌ها و کویرهای شمال شرق ایران و جنوب ترکمنستان، این حیوان را از محبوب‌ترین حیوانات منطقه در این دوره زمانی ساخته بود. در بیرون از مرزهای ایران، شواهد حضور شتر دوکوهانه در هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد در منطقه وسیعی از جنوب ترکمنستان، آنو، آلتین‌تپه، الغ‌تپه، نمازگاه، گنور و استقرارهای فرهنگ کلته‌مینار^۱، هاراپا^۲ و موهنجودارو^۳ گزارش شده است (Kohl, 2007:198). این حیوان در مناطق شرقی

1. Kelteminar
2. Harappa
3. Mohenjo-daro

ایران و مناطق همجوار در هزاره سوم پیش از میلاد، به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است و به خصوص در دادوستد در این مناطق کاربرد داشته است.

نقش شتر به تعداد زیاد در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرqbه شاندیز قابل شناسایی است که به روش پتروگلیف، کنده‌کاری ایجاد شده است. شمایل شتر به این روش، بارها از سنگ‌نگاره‌های منطقه به دست آمده است که از شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به سنگ‌نگاره‌های دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸) در شمال شرق ایران و مرزبانیک در بلوچستان ایران (Moradi, et al., 2013: 341) اشاره کرد (جدول ۲).

جدول ۲) مقایسه نقش‌مایه شتر در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرqbه شاندیز با دیگر نقوش یافت‌شده در

ایران

نماد شتر		
نقش شتر در سنگ‌نگاره‌های مرزبانیک بلوچستان ایران (Moradi, et al., 2013: 341)	نقش شتر در سنگ‌نگاره‌های دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۴۲)	سنگ‌نگاره مهدوا طرqbه شاندیز
	 	



شکل ۹) نقش شتر در سنگ‌نگاره‌های مهدوا (نگارندگان، ۱۴۰۰)




تحلیل و مقایسه نقش مایه اسب در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرهبه شانديز با ديگر نقوش يافت‌شده در ايران

از ديگر نقوش حيواني به‌دست‌آمده در مجموعه سنگ‌نگاره‌های طرهبه شانديز، نقش "اسب" است. اسب حیوانی است که همواره به عنوان مرکبی نجیب و مهربان مورد ستایش و احترام بوده است. در هزاره سوم پیش از میلاد، استفاده از نیروی اسب باعث افزایش حجم و سرعت مبادلات تجاری بوده است (طلایی، ۱۳۸۸: ۱۵۷) و از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد، در هنر مردمان هند و اروپایی، نقش اسب همواره با نشانه‌های خورشید آمیخته بوده و ارزش مذهبی داشته است (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۵).

احتمالاً اسب همانند شتر از جنوب ترکمنستان به منطقه شمال شرق ایران وارد شده و نقش بسیاری در تجارت و شکار در منطقه داشته است. شواهد حضور اسب‌سانان از جمله، شتر، خر و اسب در محوطه‌های جنوب ترکمنستان به طور گسترده از یافته‌های باستانی این منطقه و نواحی شرقی ایران گزارش شده است (هیبرت و لمبرگ کارلوفسکی، ۱۳۸۶: ۷). این حیوانات در ادوار مختلف، در منطقه شمال شرق برای شکار، باربری، کشاورزی، تجارت و کوچ‌های فصلی، مورد

استفاده قرار می‌گرفته‌اند و به همین دلیل نیز تصاویر مختلف اسب‌سانان در سنگ‌نگاره‌های این منطقه قابل مشاهده است (جدول ۳).

جدول ۳) مقایسه نقش‌مایه شتر در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرqbه شاندیز با دیگر نقوش یافت‌شده در خراسان

نماد اسب		
نقش اسب در سنگ‌نگاره‌های دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۴۳)	نقش اسب در سنگ‌نگاره‌های جریت	سنگ‌نگاره مهدوا طرqbه شاندیز
		



شکل ۱۰) نقش انسان نیزه‌دار سوار بر اسب در سنگ‌نگاره مهدوا (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مار

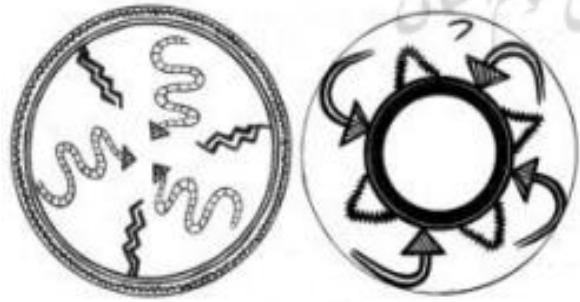
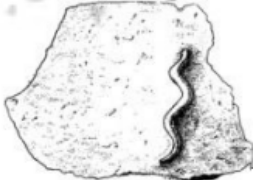

نقش دیگر به دست آمده از مجموعه سنگ‌نگاره‌های طرقله شانديز، نقش "مار" است. استفاده از این نقش در بسیاری از فرهنگ‌های کهن رواج داشته است و از دوران پارینه‌سنگی به این سو، به صورت مکرر در آثار هنری به کار رفته است. در خاورمیانه باستان، نقش مار در میان اقوام کشاورز، نشانه ای از آب بوده است (Golan, 2003: 205).

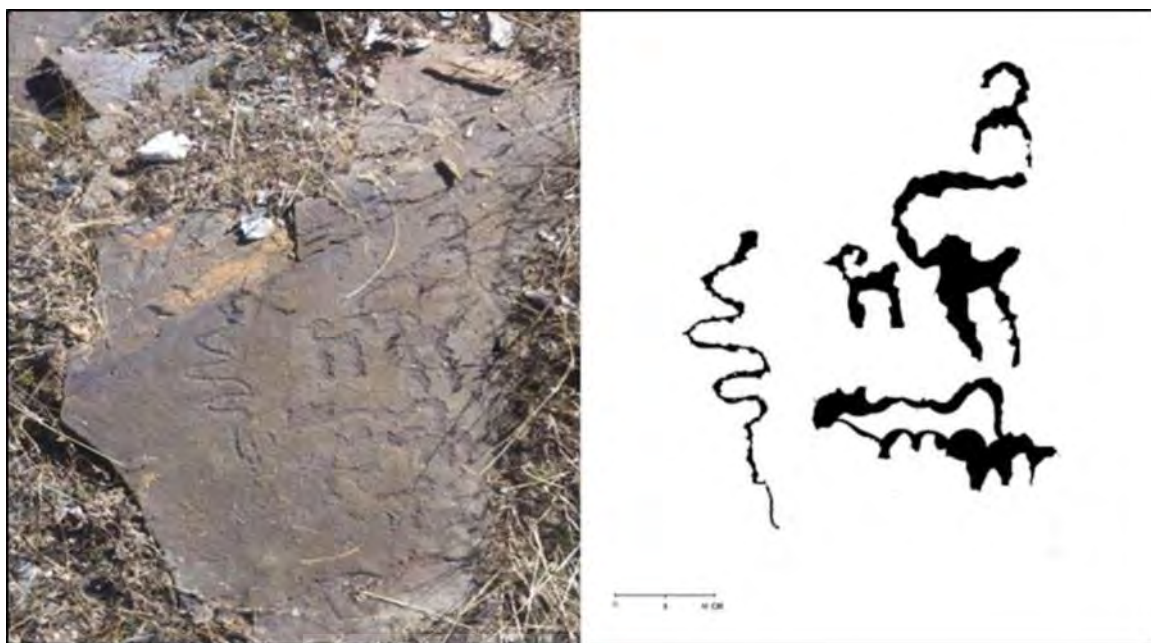
مار مظهر آب‌های زیرزمینی بود و به همین دلیل مورد ستایش قرار می‌گرفت. این نقش‌مایه، نمادی از نیکی یا بدی، فراوانی، نشانی از آب و یا اهریمن نیز به کار می‌رفته است. در شمال شرق ایران و در حوزه فرهنگی جیحون و افغانستان شواهد متعددی از این نقش‌مایه به دست آمده است. نقش مار در مهرهای مسطح غرب آسیای مرکزی بسیار تکرار شده است (Pittman, 1984: 29).

از مار به عنوان الهه باروری نیز یاد شده است و به دلیل مواج بودن فرم بدن در حین حرکت، مار را در ارتباط با آب می‌دانستند. این نقش‌مایه به وفور در مواد فرهنگی به دست آمده از هزاره سوم پیش از میلاد در نواحی شرقی ایران مشاهده شده است (جدول ۴).

جدول ۴) مقایسه نقش‌مایه مار در سنگ‌نگاره‌های مجموعه طرقله شانديز و روی مواد فرهنگی محوطه-

های شرق ایران

نماد مار		
نقش مار در سفال نخودی شهر سوخته (Biscione & Bulgarely, 1983:563)	نقش مار افزوده بر سفال ابلیس (لاله‌زار خشن) (Caldwell, 1967: 3)	سنگ‌نگاره کال سیر طرقله شانديز
		



شکل ۱۱) نقش مار در سنگ‌نگاره کال سیر (نگارندگان، ۱۴۰۰)

نقوش انسانی

پس از نقوش حیوانی و به خصوص نقش بز کوهی، تصویر انسان بیشترین نقش را در میان نقوش مجموعه طرقله شاندیز به خود اختصاص داده که در حالت‌های مختلف در حال اجرای مراسم، در حال انجام کار و شکار، در حال قدم‌زدن یا دویدن، ایستاده، ثابت و نامشخص و در موردی به صورت مرده با دستانی باز به همراه نقوش دیگر، حکاکی شده است. فرم بدن و به خصوص طرز قرارگرفتن دست‌ها و بالآمدگی شانه‌ها در نقش‌های گروهی، تداعی‌کننده انجام مراسمی خاص است. محققین، نقوش مشابه این نوع را که بر روی سفال‌های پیش از تاریخ فلات ایران ترسیم شده است، مراسم آیینی دانسته‌اند.



شکل ۱۲) نقش انسان در سنگ‌نگاره سیرخردو (نگارندگان، ۱۴۰۰)

علائم نمادین و سمبل‌ها

یکی از مواردی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه با تعیین قدمت نسبی آثار باستانی و ارتباطات فرهنگی با مناطق دیگر ایفا کند، علامت‌ها و نشانه‌هایی است که نماد و سمبل فرهنگ یا فلسفه‌ای خاص بوده و گستره فرهنگی جغرافیایی وسیعی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین با بررسی تطبیقی آن‌ها می‌توان تا حدود زیادی به زمینه‌های فرهنگی و هنری مردمانی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند و نیز به فلسفه وجودی و ارتباط با سایر نقوش مجاور آن‌ها دست یافت (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۲). در سنگ‌نگاره‌هایی که در مناطق مختلف ایران بررسی شده‌اند، علایمی وجود دارد که به عنوان نیزه و لوازم شکار مشاهده شده است. در مجموعه طرقله شاندیز، ابزارهای نمادین مشاهده شده در نقوش تیر و کمان، نیزه و کماند است که از ساده‌ترین ابزارهای ساخت بشر به شمار می‌روند. در مجموعه طرقله شاندیز، نقش نیزه (شکل ۹) و کمان (شکل ۶) نقوشی هستند که شکارگری را به نمایش درآورده‌اند و بیشتر به صورت استیلیزه و مسبک هستند. برخی از طرح‌ها، کهن‌تر هستند و برخی جدیدتر ایجاد شده‌اند. در مواردی نقوش بسیار قدیمی‌اند و با بستر سنگ هم‌رنگ شده‌اند. وجود اختلاف رنگ نقوش، نشان‌دهنده فاصله زمانی ایجاد این نقوش است و به دلیل اکسیدشدن و هوازگی تغییر رنگ داده‌اند.

نتیجه‌گیری

آثار باستانی و فرهنگی شمال شرق ایران چنان بکر و غنی است که به محققین اجازه می‌دهد در زمینه علوم مختلف به بررسی و مطالعه بپردازند و نتایج ارزشمندی از پیشینه انسان به دست آورند. در این میان، منطقه طرقله شاندریز به دلیل داشتن شرایط ویژه و استراتژیک برای زندگی جوامع ابتدایی، جایگاه ویژه‌ای دارد. مجموعه‌های نقوش صخره‌ای که بر دیوارهای صاف صخره‌ها یا روی تخته‌سنگ‌های بزرگ ایجاد شده‌اند از منظر باستان‌شناسی و فرهنگی - هنری دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. سنگ‌نگاره‌های طرقله شاندریز از نظر سبک و موضوع با سنگ‌نگاره‌های موجود در شرق ایران و مناطق همجوار قابل مقایسه است. شیوه ایجاد این مجموعه سنگ‌نگاره به روش کنده‌نگاری و پتروگلیف بوده است. نقوش صخره‌ای این مجموعه از نظر موتیف در سه گروه اصلی، دارای فیگورهای انسانی، حیوانی و صحنه‌هایی با موضوعات شکار و نمادین است. شمایل‌نگاری این نقش‌ها نشان از روش طبیعت‌پردازنده نگارندگان آن دارد. این تصاویر مردمی را به ما معرفی می‌کند که به شکار پرداخته‌اند و گیاه و کشاورزی نیز نقش هرچند کوچکی در زندگی آن‌ها داشته است. بیشترین نقوش مربوط به نقوش حیوانی است و فراوانی این حیوانات بر روی سنگ‌ها از شرایط زیست‌محیطی منطقه خبر می‌دهد. حیواناتی همچون بز، شتر و اسب - سانان نقش بسیار مؤثری در ارتزاق آفرینندگان این سنگ‌نگاره‌ها داشته‌اند. در تمامی نقوش می‌توان صحنه‌های بسیاری را مشاهده کرد که هرکدام نماد خاصی دارد و می‌توان اظهار داشت که هیچ‌کدام از نقوش، بی‌دلیل و از روی اتفاق نقش نشده است. با توجه به شواهد موجود، نقوش صخره‌ای طرقله شاندریز دارای پیشینه‌ای غنی از نظر استقرار و سکونت اقوام در این منطقه بوده است. در این پژوهش، سنگ‌نگاره‌های طرقله شاندریز با نمونه‌های موجود در مناطق شرقی فلات ایران مقایسه شد. نقوش این سنگ‌نگاره‌های نویافته با سنگ‌نگاره‌های شرق فلات ایران همچون توس، خزان، لخمزار، گوهردشت، آسو و جربت شباهت بسیار دارد. مشابهت‌های حاضر، نشأت‌گرفته از تشابه بافت اجتماعی است و در شمار زیادی از نمونه‌ها، تأثیرپذیری از شرایط محیطی و زیستی مشهود است. از این‌رو و با توجه به شواهد و قیاس موضوع و سبک این سنگ‌نگاره‌ها با دیگر مواد فرهنگی یافت‌شده از کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه، می‌توان استنباط کرد که نقوش صخره‌ای طرقله شاندریز مربوط به جوامع و اقوام پیش از تاریخ است که مراحل تدریجی

زندگی، از کوچندگی و شکارورزی تا رمه‌داری و یک‌جانشینی را تجربه کرده‌اند و به گونه‌ای تقلیدی و با مشخصه‌هایی ویژه تا به امروز نیز ادامه پیدا کرده است. در منطقه طرقله شاندریز، تمام مجموعه‌ها در مناطق عشایرنشین و یا مجاورت آن قرار دارند و روستاهای امروزی نزدیک آن‌ها نیز در سال‌های نه‌چندان دور ایجاد شده است و هنوز نیز مردمان روستا به کوچ‌هایی در فواصل کم تمایل دارند؛ در نتیجه خالق این نقوش دامداران کوچ رو بوده‌اند و این نقوش بازتابی از معیشت آن‌ها بوده است.



منابع

- آریایی، علی؛ تیبو، ا. ک. (۱۳۷۵). "جزییات تازه پیرامون ابزار سنگی ساخته شده از قلوه سنگ به دست آمده از خراسان". اثر، دوره ۱۷، ش ۲۶-۲۷: ۱۲۷-۱۳۱.
- انتظاری، مهري؛ امیری، فاضل؛ طباطبایی، طیبه (۱۳۹۷). "ارزیابی آسیب پذیری آب های زیرزمینی حوزه طرهبه شانديز استان خراسان با استفاده از تکنیک های دراستیک و سیستم اطلاعات جغرافیایی". *سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی در منابع طبیعی*، سال نهم، ش ۳ (پاییز): ۱۹-۳۲.
- بختورتاش، نصرت اله (۱۳۵۶). *گردونه خورشید یا گردونه مهر*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۸). "بررسی و مطالعه سنگ نگاره های نو یافته دشت توس". *مطالعات باستان شناسی*، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۲۱-۴۴.
- پوپ، آرتور اوپهام (۱۳۸۸). *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: علمی و فرهنگی.
- تولستوی، لئون (۱۳۵۶). *هنر چیست؟ ترجمه کاوه دهگان*. تهران: امیرکبیر.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴). "نقش و نماد در سفالینه های کهن ایران". *هنر*، دوره ۱۵، ش ۲۸ (بهار): ۳۵۵-۳۷۸.
- رضایی، جمال؛ کیا، صادق (۱۳۳۰). *گزارش نوشته ها و پیکرهای کال جنگال*. تهران: انجمن ایرانویج.
- رشیدی نژاد، مسعود؛ دلفانی، میثم؛ مصطفی زاده، نرگس (۱۳۸۸). "معرفی سنگ نگاره های جربت، شهرستان جاجرم". *پژوهش های باستان شناسی مدرس*، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۶-۱۷۴.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۱). "سنگ نگاره های ارسباران (سونگون)". *نامه انسان شناسی*، دوره اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۴-۷۵.
- طلائی، حسن (۱۳۸۸). *عصر مفرغ ایران*. تهران: سمت.

- قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی [چاپ نشده].
- لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لایخ‌مزار بیرجند، سلسله مقالات پژوهشی. تهران: انجمن آثار ملی.
- مزاری‌مقدم، حسین؛ رضایی، محمدحسین (۱۳۹۴). "معرفی سنگ‌نگاره‌های روستای شلگرد شهرستان مشهد". در: مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. گردآورنده دانشگاه بیرجند. بیرجند: دانشگاه بیرجند: ۱-۲۳.
- مهندسین مشاور فرهنگ (۱۳۸۹). طرح منطقه نمونه ابرده علیا. مشهد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی.
- ناصری‌فرد، محمد (۱۳۸۸). سنگ‌نگاره‌های ایران: نمادهای اندیشه‌نگار. تهران: خمین.
- نجفی، فرزانه (۱۳۹۹). "مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره‌های منطقه شترسنگ خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران". نگره، دوره ۱۵، ش ۵۶ (زمستان): ۸۹-۱۰۷.
- هیبرت، فردریک؛ لمبرگ کارلوفسکی، کارل (۱۳۸۶). "آسیای مرکزی و سرحدات هند و ایرانی". باستان‌پژوهی، سال نهم، ش ۱۵ (بهار): ۵-۲۶.
- هینلز، جان (۱۳۶۸). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- Biscione, R.; Bulgarely, M. C. (1983). "Painted geometrical decoration on the Shahr-i Sokhta Buff Ware: Approach to systematic classification". *Prehistoric Sistan*, Vol. 5, No. 1: 211-257.
- Caldwell, I. R. (1967). Investigations at Tal-i Iblis, Illinois State Museum Preliminary Reports 9. Springfield: Illinois State Museum Society.
- Gillette, D. L, et al. (2014). "Introduction to Rock Art and Sacred Places". In: *Rock Art and Sacred Landscapes*. Editors Donna L. Gillette, Mavis Greer, Michele Helene Hayward, William Breen Murray New York: Springer: 1-10.
- Golan, A. (2003). *Prehistoric religion-mythology- symbolism*. Theuniversity of Virginia: Jerusalem Publication.

- Kohl, P. (2007). *The making of bronze age Eurasia*. Cambridge: Cambridge University press.
- Moradi, H., et al. (2013). "Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran". *Time and Mind*, Vol. 6, Issue 3: 331-350.
- Pittman, Holly (1984). *Art of the Bronze age, Southeastern Iran, Western Central Asia and the Indus Valley*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

